

فریده هیئت^۱

سناً، اسلام رایج در نوده مردم آسیای مرکزی ترکیب عقاید و باورهای بیشمار و قدیمی قبیله‌ای ترکی به‌علاوه سنن اسلامی مرعی در زمان حاکمیت شوروی (علیرغم تنزل دانش مذهبی در منطقه) می‌باشد. از نظر تاریخی، مذهب نیازهای بشر را جهت یافتن معنای زندگی و استسناخ چرایی مصیبت‌ها و گرداب رنج‌ها جلوه‌گر می‌سازد. در تحولات آسیای مرکزی دوران پس از شوروی، فقر جدید، بی‌ثباتی‌ها و آشفتگی همراه با تشنگی بیشتر برای مذهب و نقش حکیمانه آن در زندگی روزانه جریان داشته است. در دوران پس از استقلال، کاوش جهت حاکمیت فرهنگی موضوع گرایش به اسلام را در دو سطح شخصی و ملی بسط داده است. در قرقیزستان، در کنار تنوع گروه‌های نژادی و سنت‌های مذهبی، اسلام‌گرایی دوباره به شکل افزایش باورها، شعائر و سنن اسلامی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نژادی بروز نموده است.

طی دهه گذشته، استقلال کشورهای آسیای مرکزی با جوش و خروش فزاینده پیروان اسلام در این منطقه آکنده شد.^(۱) انعکاس این امر را در افزایش سریع شمار مساجد و مدارس اسلامی و متقاضیان اعزام به حج و گسترش اشکال ابراز شعائر اسلامی به‌طور خصوصی و عمومی می‌توان مشاهده نمود. خلاء ایدئولوژیک حاصل از فروپاشی کمونیسم، جستجو جهت تجانس فرهنگی، افزایش تماس و تعامل با کشورهای اسلامی و فعالیت‌های تبلیغاتی از طرف گروه‌های اسلامی این روند را کاملاً تسهیل نموده‌اند. در حالی که ابعاد سیاسی مبارزات اسلامی در آسیای مرکزی به خارج از مرزها سرایت نموده اثر ناسازگار، مغایر و متقابل آن نیز به ظهور درآمده است. ایدئولوژی‌های اسلامی و اقتباس‌های محلی در مورد نوع روابط و موقعیت زنان کمتر شناخته شده‌اند.

۱. دکتر فریده هیئت استاد مدرسه مطالعات آفریقایی و شرقی دانشگاه لندن می‌باشد. این مقاله از فصلنامه *Central Asian Survey*، دسامبر ۲۰۰۴، شماره ۲۳، توسط آقای قاسم ملکی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

این مقاله به‌طور خلاصه در مورد تنوع عقاید، آداب و سنن اسلامی در قرقیزستان و ارتباط آنها با فرهنگ‌ها و مذاهب پیش از اسلام بحث می‌نماید. همچنین، افزایش نقش مذهب به عنوان دستورالعملی در زمینه‌های خصوصی و عمومی زندگی و ارتباط آن با سازمانهای سیاسی و بنیادهای خیریه اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. در این نوشته، موضوع انتظارات و امیدواری‌های زنان که توسط این گروه‌های اسلامی ارتقاء یافته‌اند و در ناسازگاری و عدم تجانس با اسلام سنتی رایج در قرقیزستان می‌باشد به بحث گذاشته شده است. آسیب‌پذیری‌ها در این جامعه حاصل درصد بالای آمار بیکاری، فقر گسترده، عدم تأمین اجتماعی و ضعف اخلاقی می‌باشند که همراه با فساد دستگاه حکومتی، سایش و خفت جنسی زنان نقشی اساسی در پیدایش اسلام جدید و موفقیت گروه‌های حامی آنها ایفا کرده‌اند.

در دوره پیش از شوروی، در آسیای مرکزی، مذهب بخشی از ایدئولوژی مسلط منطقه محسوب می‌شد. دولت شوروی ضوابط آموزشهای مذهبی را مشخص و تعریف نمود. در نظام شوروی، دکتترین غیرمذهبی بطور رسمی دکتترین نظام اعلام شد به نحوی که دولت حاکم آموزش مذهب را ممنوع اعلام نموده و در مورد انجام فرایض مذهبی محدودیت‌هایی قایل شد. این موضوع به کاهش حضور مذهب در جامعه مسلمانان شوروی منجر شد. با وجود طعنه‌آمیز بودن، احساسات قوی مذهبی همچنان باقی ماندند و نشو و نما نمودند. من در جای دیگر درباره پیامد رهیافت دوگانه نسبت به مذهب بین آذری‌های شوروی بحث کرده‌ام: قلوب مذهبی و اذهان ملحد.^(۲) به‌طور کلی، در جمهوری‌های مسلمان شوروی، ادای شعائر مذهبی به صورت تشریفاتی حذف شدند در حالی که ادای فرایض غیرمعمولی چون نیایش در خانه‌های مخفی و ستایش در معابد دوام داشتند. اسلام در میان قرقیزهای قبیله‌ای به صورت انجام فرایض مذهبی نهادینه شده ظهور نمی‌یابد (بر خلاف مردمان جمهوری آذربایجان و ازبک) بلکه بیشتر از تلفیق توحیدگرایی اسلام و مذاهب پیش از اسلام و فرهنگ‌های گوناگون در قرقیزستان اقتباس می‌شود.

قرقیزستان کشوری با ۴/۵ میلیون جمعیت در آسیای مرکزی و در همسایگی چین

می‌باشد. جمهوری قرقیزستان دارای تنوع نژادی است همراه با شماری قابل توجه از مردمان با نژاد اسلاو در شمال که اغلب در بیشکک مقیم می‌باشند و استان چوی^۱ را احاطه کرده‌اند. در جنوب کشور و هم مرز با تاجیکستان و ازبکستان، اقلیت بزرگی از مردمان ازبک در ناحیه اوش زیست می‌نمایند؛ همچنین شماری از تاجیک‌ها و گروه‌های نژادی ترک در این مناطق مرزی ساکن می‌باشند. از زمان استقلال، پس از مهاجرت بخشی از روس‌ها و سرازیر شدن پناهندگان تاجیک، در ترکیب نژادی و مذهبی مردمان قرقیزستان تغییر ایجاد شده است. در حال حاضر، ۸۰ درصد جمعیت را مسلمانان و ۱۶ درصد جمعیت را مسیحیان تشکیل می‌دهند.^(۳) شمال کشور قرقیزستان بیشتر صنعتی و پیشرفته‌تر است که اغلب مناطق روس‌نشین را شامل می‌گردد. جنوب شامل استانهای اوش و جلال‌آباد از نظر تاریخی با درجه بیشتری با مذهب اسلام عجین بوده است که عمدتاً تحت نفوذ جمعیت ازبک می‌باشد. در شهر قدیمی اوش که دومین شهر بزرگ قرقیزستان نیز می‌باشد کوه سلیمان قرار دارد که زیارتگاهی مقدس در آسیای مرکزی شمرده می‌شود. جمعیت اوش شامل اقلیت بزرگی ازبک (در حدود ۴۰ درصد) می‌گردد.

امروزه، در این منطقه مدارس مذهبی و مساجد بسیاری فعالند و گسترش اسلام در بین مردمان این منطقه نسبت به شمال توفیق بسیار داشته است. همراه با استقلال کشورهای مسلمان آسیای مرکزی این کشورها به اسلام به عنوان یک مذهب و یک سنت فرهنگی برای احراز هویت‌های ملی و نژادی گرایش پیدا نمودند. اقدام آنها به لحاظ مادی و سیاسی از جانب کشورهای مسلمان به ویژه عربستان سعودی، کشورهای خلیج فارس و ترکیه حمایت شد. حمایت‌ها شامل تهیه و ارسال تعداد معتنابهی قرآن و دیگر کتب اسلامی و نیز پروژه‌های تأسیس مسجد می‌گشت. همچنین، اعانات و کمک هزینه‌ها مسبب اعزام شمار بسیاری از روحانیون جوان آسیای مرکزی به مدارس مذهبی کشورهای مسلمان می‌باشند. مؤسسات آموزش عالی دروس اسلامی در اوش و بیشکک فعالند که دختران

1. Chui

و پسران دانشجو را پذیرفته و موضوعات علوم انسانی و علوم خدانشناسی را به صورت آکادمیک تدریس می‌کنند. نکته قابل توجه در این مورد، مؤسسه آموزش‌های مذهبی در اوش می‌باشد که هزینه‌های آن از طرف بنیاد امور مذهبی ترکیه که یک سازمان دولتی است (از طریق وقف) تأمین می‌شود. در نتیجه، شمار مساجد قرقیزستان از ۳۹ در سال ۱۹۹۱ به ۲۰۰۰ در سال ۲۰۰۱ رسید (به‌طور رسمی شمار ۹۳۱ مسجد ثبت شده است). امروزه نیز ۳۸ مدرسه مذهبی و ۷ مؤسسه آموزش عالی دروس اسلامی افتتاح شده‌اند. شمار افرادی که اعمال حج را به‌عهده می‌گیرند و جهت مراسم به مکه مقدس می‌روند نیز بسیار فزونی یافته است.^(۴)

به‌طور کلی، روند دموکراتیزه شدن قرقیزستان در جهت سیاست درهای باز نسبت به سازمانهای مذهبی حمایت شونده از خارج از کشور می‌باشد که منجر به فعالیت آزاد گروه‌های مسیحی به موازات دیگر دسته‌های مذهبی شده است. با این حال، بیشتر تبلیغات مذهبی مسیحیت در شمال کشور انجام می‌گیرد. در جنوب، جریان فعال تر اسلامی شدن دوباره بیشتر مشاهده می‌گردد. در واقع، اسلام سنی مذهب به‌واسطه نهادهای آموزشی اسلامی، روحانیون مسلمان تربیت شده جدید، گروه‌های مبارز مسلمان و تمامی کسانی که از سازمانهای اسلامی کشورهای دیگر (کشورهای عرب و ترکیه) ملهم هستند معرفی و ترویج شده است. آنچه که در اینجا اهمیت دارد تفسیری است که آنها از اسلام ارائه و اشاعه می‌دهند و آن مغایر اسلام سنتی آسیای مرکزی می‌باشد. این امر به‌ویژه در مورد سنن، آداب و باورهای مردم قرقیز مشهود است چرا که با قزاق‌ها در زمینه‌های عقاید مذهبی، رسوم و اسلام صوفی که ریشه‌های عمیق در منطقه دارند نیز دارای تعامل سازنده و مسالمت‌آمیز می‌باشند.

تلفیق باورها و عقاید گوناگون اسلامی در قرقیزستان

اسلامی شدن جامعه قرقیز از آغاز قرن ۱۷ میلادی همراه با حرکت قبایل چادر نشین به سوی دره فرغانه پراکنده و آرام بود.^(۵) ولی جمعیت از یک ساکن شده از چند قرن قبل مسلمان شده بودند. پس از پایان قرن ۱۷، به موازات بسط اسلام از طریق ملاها و بازرگانان در بین قرقیزها

در منطقه تین‌شان، بیش از همه شیوخ صوفی و دراویش در تغییر و تبدیل افکار قرقیزها از بت پرستی و چندخدایپرستی مؤثر بودند. به‌طور کلی صوفی‌گری بیشترین نفوذ را در میان دیگر عقاید و سنن مذهبی در آسیای مرکزی داشته است.^(۶) پیروراتسکی^۱ براساس یک تحقیق میدانی راجع به مذهب بین قزاق‌ها اظهار می‌دارد که احترام و تقدیس اولیا، اشراق روحانی همراه با ریشه‌هایش در تصوف صوفی که تا این روزگار پابرجاست مبین مذهب در میان قزاق‌ها می‌باشد.^(۷) مشابه آن، این امر بین قرقیزها از طریق رؤیاها و تجربه‌های خیالی و نظری که رعایت آداب مذهبی را به‌خانه و به اماکن مقدس سوق می‌دهد ابراز می‌شود.

در قرقیزستان امروز، آنچه که به عنوان اسلام سنتی شناخته شده از بسیاری از عناصر مذاهب پیش از اسلام و مقدسات از جمله شمنیسم، آنیمیسم، زرتشت‌گرایی، پرستش اجداد و تقدس طبیعت آمیخته و ترکیب شده‌اند. آنچه هنوز در باورها و اعتقادات روزانه مردم قرقیز بدیهی است ایمان به یک فلسفه عالم وجودی می‌باشد که مدل همگرا از جهانی آمیخته از انسانها، گیاهان، جانوران و دیگر عناصر طبیعت را ارائه می‌دهد. آنها همگی با ارزش و به نحو قابل ملاحظه به یکدیگر وابسته‌اند. تقدس طبیعت از سنت‌های قدیمی ترکی و نیز قبایل سیبری و مغول‌ها ناشی می‌گردد.^(۸) قدرتمندترین خدا در دوران پیش از اسلام تانگری^۲ بود. خدای آسمان که برای وی حیوانات قربانی می‌شدند.^(۹) اگرچه، تانگریسم تقریباً فراموش شده ولی هنوز رسوبات آن باورها در زمینه قدرت آسمان باقی است (برای مثال از خدای آسمان جهت بخشش یا عذاب یک فرد استمداد می‌شود).^(۱۰) مضمون تانگریسم عبارت است از اندیشه و تصویری مقدس که بازمین، خورشید، ماه و ستارگان مانوس شده منطبق می‌گردند.^(۱۱) رب‌النوع دیگر که هنوز بین مردمان قرقیز مورد احترام می‌باشد اومای‌انه^۳ یا اومای مادر است که مورد احترام مغول‌ها نیز بوده و معنای رحم مادر هم می‌دهد. مردم قرقیز باور دارند که او حافظ خانه، نماینده مام وطن و ناجی زنان و نوزادان است. روح او الهام‌بخش اموری چون دور نمودن چشم

1. Privratski

2. Tangri

3. Umay ene

شیطان از کودکان و محشور شدن با مناسبت‌های شادی بخش چون برداشت محصول می‌باشد. تا قرن هشتم میلادی احترام برای اومای همراه با احترام برای طبیعت (آسمان و زمین) بود و در این باور بقایای افکار جامعه قدیم مادرسالاری مردمان ترک ملاحظه می‌گردد. (۱۲)

احترام به طبیعت و اجداد که عناصری مهم در اعتقادات مذهبی مردم قرقیز بودند شاید به بهترین وجه در اولویت و تقدس مزارها (مقابر مقدس) تجلی پیدا نموده است. آنها اماکن مقدسی می‌باشند که اغلب در جاهایی که یک پدیده طبیعی به‌طور متمایز در آنجا مشاهده می‌گردند (چون چشمه‌ای جوشان، آبشار، درختان غیرعادی یا یک کوه نامتجانس) قرار دارند. (۱۳)

زیارت مزارها بیشتر یک رفتار و فعالیت زنانه است چنانکه زنان بسیاری به زیارت این زیارتگاهها می‌روند. این زیارتها اغلب برای برآورده شدن آرزوی بارداری، بهبود بیماری یا بعضی از دیگر مشکلات جدی زندگی انجام می‌گیرد.

معمولاً شاخه‌های یک درخت مقدس به نشانه آرزوی محتاجان و زائران مملو از تکه‌های پارچه‌های گره زده شده به آن می‌باشند. قربانی نمودن گوسفند، پخت غذا و اطعام اعضای خانواده و دوستان نزدیک در یک مزار مقدس از جمله رسومی هستند که به زیارت، یک تقدس غیرعادی القاء می‌نماید، جدا از مراسم رسمی مذهبی که در مساجد برپا می‌گردند. (۱۴)

کلمه مزار در زبان عربی به معنای گور و در اصل برای مقابر رجال مقدس به کار می‌رود. گورستانهای مسلمین اغلب نزدیک مزار شیوخ مقدس قرار دارند و سنگهای قبور معمولاً بسیار هنرمندانه و استادانه کار شده‌اند. برجسته‌ترین آنها به اولاد سرشناس خاندانی تعلق دارد که پرستیژ آنها با نمای ظاهری اطراف آن سنگ قبر مشخص می‌گردد. این به معنای ادای احترام فراوان برای فرد متوفی است که آرامش او در دنیای آخرت وابسته به این می‌باشد که بستگان وی چگونه مراسم تدفین و سوگواری وی را برگزار نمایند. (۱۵) روح نیاکان در حفاظت از اولاد در قبال حوادث و مشکلات روزانه مدد می‌رسانند. در فرهنگ معاصر مردمان قرقیز، کمافی‌السابق، ادای احترام به اجداد و نیاکان حیات بخش می‌باشد. مردم عقیده دارند که رفتارهای آنان بر وضعیت

امواتشان مؤثر است. بنابراین، امروزه متنفذترین عقاید ناشی از دوره پیش از اسلام نافذ در مردمان قرقیز، شمنیسم است که به عنوان مجموعه‌ای فلسفی از عقاید، افسانه‌ها، مراسم عبادی، تشریفات مذهبی، و متعلقات و ضمائم مربوط به یک شمن طرح می‌گردد.^(۱۶) در قرقیزستان، عقاید و آیین‌های مذهبی که طی دو قرن گذشته ظهور یافته‌اند و بعضی اوقات به شمنیسم صوفیانه نسبت داده می‌شوند.^(۱۷) در واقع تلفیقی از اسلام صوفی و شمنیسم باریشه سبیری می‌باشند.^(۱۸) مراسم ذکر چالو^۱ مشتق از واژه عربی ذکر (نیایش و تکرار نام خدا برای دستیابی به حالت خلسه و شیفتگی) هنوز در بعضی مناطق روستایی چون «نارین» اجرا می‌گردد. به‌طور کلی، شمنیسم مبین شفای بیمار و تزکیه و بصیرت باطن می‌باشد. شمن‌ها اغلب به عنوان بکشی^۲، بو بو^۳ یا طیب^۴ معروف می‌باشند. این‌طور القا می‌شود که آنها نیروی معنوی ویژه دارند که از آن طریق قادرند جن یعنی روح شیطان را از جسم شخص مریض برانند. در دوران پیش از شوروی، شمن‌ها لباس‌های ویژه دربر می‌نمودند و با حضور در کنار مریض برای بهبودی وی، با یک چاقو، یک عصا یا شلاق به اشارت سخن گفته و مناجات می‌نمودند.^(۱۹) در اواخر دوران شوروی همراه با مدرنیزه شدن و تقبیح دولتی در مورد غیر علمی بودن رفتارهای سنتی، شمنیسم از رواج افتاد.

در زمان پس از شوروی، یک بازگشت مهم به شکل افزایش شمار شمن‌ها (که از طرف مردم در امور مشکلات جسمی، روانی و اجتماعی مورد مشورت قرار می‌گیرند) مشاهده می‌گردد. آنها به عنوان شفا دهندگان معنوی و بصیر محسوب می‌گردند و بعضی از آنان ادعای پیش‌بینی آینده نیز دارند. همچنین، تشخیص‌های آنان از طریق کنترل نبض و بعضی اوقات از سنگ‌های کیمیاگری ویژه به عنوان ابزارهایی جهت مکاشفات و الهام استفاده می‌کنند. در مواردی نیز آنها ترکیبات گیاهی را به عنوان دارو تحریم می‌کنند. آنچه که بین این شفا دهندگان مشترک می‌باشد آن است که آنها به لحاظ دارو و درمان آموزش ندیده‌اند ولی مدعی هستند که

1. Zikir Chaluu

2. Bakshi

3. Bubu

4. Tabib

بیماری جدی فرزندان و نوجوانان خود را علاج نموده‌اند نه درمان ساده بلکه آنها را توان می‌دهد مهارت‌های شفایابی خود را بیاموزند. در شکل کلاسیک آن، دوره زندگی شمنی با ثروتی ناخواسته یا بعضی مشکلات زندگی چون مریضی که به عنوان گنش ارواح خبیثه تعبیر می‌گردد آغاز می‌شود. فرد شمن با عبور از یک تجربه قدرتمند تحول‌پذیر و دگرگون‌شونده توانهای شمنی را فراگرفته حاصل می‌نماید.^(۲۰) بین مردمان قرقیز پذیرفته شده است که این قدرتهای معنوی و روحی ارثی می‌باشند. معمولاً یک پدر یا پدر بزرگ مقام شمن در جامعه داشته است اما امروزه اکثریت عظیم از شمن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند در حالی که اطلاعات رسمی قابل دسترسی در مورد شمار آنان موجود نیست.

علاوه بر این، هم شفا دهنده و هم فردی که آینده را پیشگویی می‌نماید هر دو در جامعه‌ای با پیش‌زمینه مذهبی اسلامی شکل گرفته‌اند. مشروعیت آن حاصل قرائت قرآن و ذکر نام خدا و پیغمبر و تکرار آن در بین نمازگزاران به صورت از حفظ می‌باشند. فقط شماری از به اصطلاح طیب‌ها مراسم ذکر را به عنوان جلسه شفایابی بجا می‌آورند. شمن‌هایی که من با آنها مصاحبه کرده‌ام و همگی خانم بوده‌اند دروس قدیمی اسلامی را از ریش سفیدی به عنوان یک رجل مذهبی مسلط به قرائت قرآن آموخته بودند، آموزش‌هایی که در زمان شوروی مجاز شناخته نمی‌شد و شدیداً از طرف قدرت حاکمه منع می‌شد. همگی شمن‌ها اذعان داشتند که توان آنها جهت شفای بیماری‌ها محدود است. اغلب آن بیماری‌ها جسمی یا مشکلات عصبی بودند. یک به اصطلاح طیب اهل «نارین» که من با وی مصاحبه کردم به‌طور کلی بر این عقیده بود که دلیل اصلی افزایش شمار طیب‌ها مشکلات اقتصادی، مردم و ضرورت التیام آنهاست. آن طیب اظهار می‌نمود: «بعضی مردم در سالیان اخیر به واسطه سختی‌های فراوان امکاناتی برای امرار معاش ندارند. فاقد توانی واقعی جهت بهبود زندگی می‌باشند و فقط در واقع مردم را می‌فریبند. آنها به واسطه ارواح شیطان به این سو رانده شده‌اند».

شکی نیست که در دوران پس از شوروی، همراه با زوال خدمات بهداشتی، ناتوانی بیشتر مردم برای تحصیل مراقبت پزشکی و درمانی و فقدان رفاه اجتماعی شدیداً آسیب‌پذیری‌های

مردم را افزایش داده و آنان را وادار نموده است تا به راههای سنتی برای مبارزه با بیماری‌های جسمی و روانی پناه ببرند. بیشتر این آسیب‌پذیری‌ها از رشد فقر، فساد در دستگاه حکومتی، شیوع مشکلات اجتماعی، افزایش عدم تأمین اجتماعی (که همزاد عبور به بازار آزاد است) ناشی می‌گردند.

ظهور فقر و امراض روحی

قرقیزستان بعد از تاجیکستان فقیرترین جمهوری میان جمهوری‌های اتحاد شوروی بود. دامداری و کشاورزی، صنایع تسلیحاتی متوسط، صنعت هیدروالکتریسیته و معادن طلا این جمهوری را کشور تک‌محصولی نموده است. اگرچه بعضی مناطق روستایی قرقیزستان در مقایسه با جمهوری‌های اروپایی اتحاد شوروی بسیار عقب افتاده بودند ولی امنیت شغلی، آموزش همگانی رایگان، نظام مراقبت بهداشتی و دیگر وسایل رفاه در واقع یک وضعیت رفاه عمومی مناسب را برای اکثریت مردم فراهم آورده بود. وضعیتی که از طرف افراد مسن مربوط به دوران اتحاد جماهیر شوروی مورد حسرت و آرزوست. با فروپاشی شوروی، بسیاری از واحدهای تولیدی صنعتی تعطیل شدند. خصوصی‌سازی فوری (غارت و چپاول سرمایه‌های دولت در صنایع گوناگون)، افزایش بیکاری، قطع حقوق‌ها، فقدان امکانات دولتی به تعدیل سطوح فقر در اواخر دهه ۱۹۹۰ منجر شد. پذیرش اصلاحات اقتصادی از طرف قرقیزستان، شوک‌های اقتصادی، تصمیمات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی این موقعیت را بیشتر وخیم نمود. در نتیجه، سطوح فقر در کشور نسبت به گذشته بیشتر شد و ۱۶ درصد مردم را در سال ۱۹۹۶ در بر گرفت. در مناطق روستایی سطح فقر بیشتر مشاهده می‌شد و تا ۳۱ درصد می‌رسید. سوء تغذیه کودکان شهری نیز بسیار افزایش یافت.^(۲۱) این امر با این واقعیت بیان می‌گردد که در مناطق روستایی تکه‌هایی زمین کشاورزی تحصیل اساسی‌ترین مایحتاج خوراک را تسهیل می‌نمایند اگرچه در شهرها، عموماً استانداردهای بالاتر زندگی با فرصت‌های بیشتر برای کار و فعالیت‌های تجاری وجود دارند. این قابلیت مهم یعنی تحصیل درآمد نقدی در شهرها به

مهاجرت روستاییان به شهرها و به‌ویژه بیشکک و اوش منجر شده است. این امر به نوبه خود مشکلات مرتبط با فقر و نازل بودن خدمات در این شهرها را تشدید نموده و به‌طور قابل توجهی فحشاء و جرایم خیابانی را افزایش داده است. طبق برآورد UNDP در سال ۲۰۰۱، سطح عمومی فقر چنان است که فقط ۱۰ درصد جمعیت از درآمدی بالای حداقل لازم برای امرار معاش یعنی ۱۲۰۵ صوم در هر ماه برخوردار می‌باشند (در حال حاضر حدود ۳۰ دلار).^(۲۲)

یک نتیجه افزایش فقر و فروپاشی در کنترل دولتی و اجتماعی، گسترش فحشاء به‌ویژه در بیشکک و اوش بوده است که شمار زنان آلوده به فحشاء در بیشکک بیش از ۲۰۰۰ نفر می‌باشد که اولین رتبه را در بین پایتخت‌های کشورهای آسیای مرکزی داراست.^(۲۳) بسیاری از آنان دختران و زنان جوان روستایی و شهرهای کوچک هستند که مهارت و توانایی برای انجام کار ندارند. حضور آنان شب‌ها در خیابان‌ها بسیار مشهود است.

به‌علاوه، موضوع قاچاق و نقل و انتقال غیرقانونی زن‌ها به خارج نیز روبه فزونی است. سازمان بین‌المللی مهاجرت^۱ برآورد نموده که شمار ۴۰۰۰ زن به‌طور قاچاق از قرقیزستان به خاورمیانه، دیگر کشورهای CIS و اغلب به امارات متحده عربی منتقل شده‌اند.^(۲۴) این زن‌ها اغلب با پیشنهاد شغل‌هایی بی‌نیاز از مهارت چون مهمانداری یا انواع کارهای خدماتی یا قول‌های ازدواج از طریق ایمیل به‌واسطه آژانس‌های گوناگون گمراه و اغفال می‌گردند. طبق گفته IOM، موقعیت جغرافیایی قرقیزستان بین آسیای شرقی و خاورمیانه، نسبت به دیگر کشورهای آسیای مرکزی، این کشور را برای قاچاقچیان انسان جهت بهره‌برداری و بکارگیری نیروهای جدید به محل ایده‌آلی تبدیل نموده است. قرقیزستان برای گروه‌های جنایی در چین و آسیای جنوبی نیز از نظر جغرافیایی شایسته و مناسب می‌باشد چرا که تصورات از ظرفیت‌های قانونی کشور، اجرای قانون و کنترل مرزی این اندیشه را تقویت می‌نماید.^(۲۵)

همچنین، قرقیزستان مسیر قاچاقچیان حمل مواد مخدر از آسیای مرکزی به روسیه و غرب نیز می‌باشد. در قرقیزستان افزایش استفاده از مواد مخدر و نیز استعمال از طریق تزریق

1. The International Organization for Migration (IOM)

مشاهده می‌گردد. همراه با آن، افزایش بسیار در آمار رسمی موارد مبتلا به ویروس ایدز نسبت به سال ۱۹۹۷ گزارش شده است. بنابه گفته ناظران ارگان‌های وابسته به سازمان ملل، گسترده‌گی فزاینده از بیماری ایدز در آسیای مرکزی به‌ویژه در قرقیزستان و قزاقستان هشداردهنده است.^(۲۶) این وضع علی‌رغم این واقعیت است که در حال حاضر در مجموع شمار افراد مبتلا به ایدز در قرقیزستان هنوز کمتر از روسیه و کشورهای حوزه بالتیک می‌باشد. شرایطی که باعث گسترش این بیماری می‌گردد از آغاز ایجاد تحول در این کشور در حال تشدید است. در دوران جدید، شرایط مساعدتر و آزادتری برای مناسبات جنسی جهت افراد در سنین نوجوانی وجود دارد تا زمان تسلط نظام کمونیستی.

رشد عوامل اشاعه فحشا در منطقه، افزایش موارد تزریقی و ترجیح رفتار جنسی بدون رعایت مسائل بهداشتی، زمینه مناسب برای گسترش و انتقال بیماری ایدز فراهم آورده است.^(۲۷)

دسترسی گسترده به مواد مخدر، قاچاق دختران و زنان و گسترش فحشاء در قرقیزستان عموماً حاصل فروپاشی نظم و قانون دوران شوروی و فقدان حکومتداری مؤثر شمرده می‌شود اما مهمتر اینکه، آنها ملاک و دلیل دیگری از یک بحران اخلاقی عمیق تر هستند که به واسطه آنها هویت‌ها مغشوش شده‌اند و ایدئولوژی حاکم بازار آزاد فقط به جنبه‌هایی نظر دارد که صرفاً ارتقای شخصی را به هزینه جمع بدست می‌آورند. بیشتر مردم که در آسیای مرکزی کار و زندگی کرده‌اند با کارکنان نظام اداری رشوه‌گیر کنونی مانوس هستند - شامل پلیس محلی، قاضی، معلم، بازپرس یا دکتر بیمارستان - که بدون آن رفع مشکلات قضایی، نمرات قبولی، درمان شایسته دست نیافتنی است. فساد دولتی به حسب فساد خصوصی جایز شمرده می‌شود و آن راهبردی برای بقا نگریسته می‌گردد. همان‌طور که یک طیب از نارین اظهار نمود مردم جهت امرار معاش و بقا به سمت فریب، دروغ و نیرنگ روی آورده‌اند. «ناز پاری»^۱ در یک مطالعه نژادشناسی راجع به همسایگان قزاقستان در مورد ظهور سریع و وحشیانه نیروهای بازار در

1. Nazpary

غیاب چارچوب قانونی مؤثر که احساسی از یأس را بین محرومان ایجاد کرده است بحث می‌نماید.^(۲۸) این محقق به تجربیات خود از آشفتگی حقوقی و اخلاقی فوق‌العاده در زندگی اجتماعی به عنوان هرج و مرج (که مردمان قرقیز آن را با اصطلاح «بارداک»^۱ می‌نامند) استفاده می‌نمایند. برای اکثریت مردم قرقیزستان، نبود پوشش بیمه، فقدان درمان پزشکی مناسب و امکانات شایسته زندگی بازنشستگی و مریضی مسن بودن اغلب به سختی فوق‌العاده منجر می‌گردد. یک محقق داخلی به نام «باکیوا»^۲ افزایش گرایش به اسلام در جامعه قرقیزستان را این‌طور توضیح می‌دهد:^(۲۹)

«با فروپاشی دیگر نظام‌های ارزشی، مردم به ارزشهای مذهبی متمسک شده‌اند که عملکرد یک نوع از درمان اجتماعی را جلوه‌گر می‌سازد. ایجاد مشکلات زندگی آسان‌تر از تحمل آن است... اسلام به عنوان راهی برای ارتقای سلامت اخلاقی جامعه نگریسته می‌شود. اخلاقیات و اسلام به لحاظ آگاهی عمومی دارای یک هویت می‌باشند و عملکرد آموزشی اسلام مورد تأیید می‌باشد. فقر، بیکاری و تضعیف روحیه فرد بیکار (توانا در کار) که بارکود دوران تحول پس از شوروی ملزم بوده نقش اسلام را به عنوان راهکار فراهم نمودن شکل عملی کمک به مردم معذب به‌واسطه نبود معنایی در زندگی آنان تقویت نموده است».

در پی فروپاشی نظام شوروی، گرایش به اسلام روبه فزونی یافته بود؛ به‌طوری که ادبیات مذهبی در مناطق شهری و روستایی به فراوانی قابل دسترس بود و دروس مذهبی در مدارس تدریس می‌شد و برنامه‌های اسلامی از کانال‌های رادیو و تلویزیون محلی پخش می‌شد. بازگشت زائر از حج نقش والاتری در جامعه به حجاج اعطا می‌نمود به‌طوری که آنان عضوی از ریش‌سفیدان جامعه محسوب می‌شدند که به عنوان میانجی امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه نگریسته می‌شدند.^(۳۰) این امر به‌ویژه در جنوب قرقیزستان مشهود است و بین مردم ازبک که درجه اعتقاد به اسلام قوی‌تر می‌باشد. آن دسته زنان ازبک که به حج می‌روند دارای الزامات اخلاقی و آموزشی محسوب می‌گردند. این امر زنان را ملزم به رعایت حجاب و رفتار

1. Bardak

2. Bakiyeva

متواضعانه نموده نیز جوانان را تشویق به آگاهی از تربیت اسلامی می‌نمایند. در حالی که حکام و سنت اسلامی به صورت یک اعتقاد تعبیر می‌گردند سنی‌ها و اصولگرایان دیدگاه محدودکننده‌ای در مورد زنان و روابطشان دارند. از دیدگاهی دیگر، زیارت کردن و سفرهای مذهبی به عربستان ایمان فرد مسلمان را تقویت می‌نماید که مورد مخالفت دیگر عرب‌های کشورهای منطقه می‌باشد. این موضوع طی بازدیدهای علمی در جنوب قرقیزستان و در زمان برپایی سمینار در مؤسسه اسلامی بیشکک^۱ مشاهده می‌شد.

تعصب اسلامی و بنیادگرایی در قرقیزستان

مؤسسه‌ای به نام مؤسسه خلیفه عمر^۲ اصلی‌ترین نهاد اسلامی آموزش عالی اسلامی در بیشکک محسوب می‌گردد که دانشجویان آن زبان عربی، زبان انگلیسی، الهیات و کامپیوتر آموزش می‌بینند. آنها از مزایای مسکن و مستمری ماهانه برخوردارند. دانشجویان انتظار دارند پس از تحصیلات به عنوان معلمان مدرسه و مفسران استخدام شوند. بیشترین کمک‌های مالی از طرف کشورهای عربی است. در نوامبر ۲۰۰۲، این مؤسسه یک رشته سمینار یک‌روزه در مدت دو هفته (در ماه رمضان) برگزار کرد. مشارکت‌کنندگان (حدود ۲۰۰ خانم) اغلب دانشجویان مؤسسات اسلامی بیشکک بودند. تمامی آنها در زمان افطار مورد پذیرایی قرار می‌گرفتند و کمک هزینه‌ای برای این دو هفته به آنان پرداخت شد. موضوع گفتگوهای سمینار «موقعیت زنان در اسلام» بود. سخنرانان از کشورهای عربی به زبان عربی مقاله ارائه دادند و هیچ سؤال و جوابی مطرح نشد و مطالب توسط یک مترجم مرد به زبان قرقیزی ترجمه می‌شد. آنها بر تقوای مذهبی و محاسن ارزش‌های سنتی چون احترام به افراد مسن و نجابت و فروتنی زنان تأکید نمودند. موضوع فساد اخلاقی امروز جامعه با طرح اشکال ظاهر شدن خانم‌ها بیان گشت. آنها عقیده داشتند در غرب و بین افراد غیرمؤمن زنان به عنوان یک کالای جنسی نگریسته می‌شوند در

1. The Islamic Institute of Bishkak

2. The Umar Institute

حالی که در اسلام زنان از احترام بسیار برخوردار بوده و دارای شایستگی فراوان هستند. حجاب یک ضرورت برای محافظت شأن زنان می باشد و مردان را از وسوسه دور می نماید. (۳۱) در حالی که در فضای کنونی شهر بیشکک با ترویج مذاهب گوناگون، نظریاتی چون دیدگاه‌های بالا مربوط به اقلیتی کوچک محسوب می شود در جنوب کشور این نظریات کاملاً در حال شیوع می باشند. افزایش شمار زنان جوان که از روسری‌های بسته و حتی مانتوهای بلند استفاده می کنند مبین پذیرش عمومی آن می باشد.

در شهر اوش، دو نهاد آموزش عالی الهیات اسلامی و زبان عربی فعال هستند: مؤسسه الهیات اوش و دفتر مطالعات بین‌المللی و زبانهای خارجی دانشگاه ازبک - قرقیز. مصاحبه با دانشجویان دختر این مؤسسات، دیدگاه‌های نظام پدرشاهی و در بعضی موارد پیچیده و مبهم آنان را نسبت به مقام زنان در جامعه آشکار کرد. در حالی که بعضی زنان جوان اعتماد به نفس، حق تحصیل نمودن و سپس به عهده گرفتن مسئولیت اجتماعی را ابراز می نمودند بعضی دیگر (به ویژه آنان که روسری به سر داشتند) مهمترین نقش زنان را مراقبت از خانواده و بزرگ کردن کودکان نام می بردند. بعضی از افراد گروه دوم ابتدا موافق بودند که مردان و زنان مساوی خلق شده اند اما در ادامه اظهار داشتند مردان تا وقتی که از توانایی‌های بیشتری از زنان برخوردارند به ناگزیر لازم است از اقتدار بهره مند باشند. آنها همگی معتقد بودند که مردان تا وقتی که بار مسئولیت اقتصادی سنگین تری را حمل می کنند و در قبال رفاه مادی خانواده مسئول می باشند از زنان بیشتر ارث می برند. در حالی که زنان باید رفاه معنوی و روانی خانواده را تأمین نمایند.

آموزش زبان خارجی به واسطه وضعیت اقتصاد داخلی، افزایش سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی، افزایش سازمان‌های غیردولتی، فعالیت آژانس‌های بین‌المللی در قرقیزستان یکی از راه‌های اصلی ارتقای فرصت شغلی است. در مورد دانشجویان دانشکده الهیات که دو سال اول تحصیل آنها در آنکارا (پایتخت ترکیه) حمایت مالی می کردند به وضوح دارای منظری جذاب می باشند. این زمانی است که ایده‌های حجاب و عدم تساوی زن و مرد در امور گوناگون به موازات

آموزش تاریخ و اصول مذهب سنی تلقین و تکرار می‌شوند. معمولاً پس از بازگشت، دختران دانشجو به نحو یکسانی حجاب را رعایت می‌نمایند.

در واقع، در قرقیزستان امروز دیدگاه‌های پدرشاهی و ممانعت‌کننده راجع به وضعیت زنان در بعضی از نهادهای آموزش عالی اسلامی چون مؤسسه الهیات اوش رسماً مورد حمایت نیستند اما آن نظریات توسط گروه‌های اسلامی زیر زمینی یا مخفی ترویج می‌شوند. تفسیر بنیادگرای آنان از قرآن و یک منبع منتخب تاریخ اسلامی و حدیث (گفتارهای پیغمبر)، اطاق کوچکی جهت سکونت و مایحتاج مدرن و برابری جنسی را مردود می‌شمارد.

مطمئناً، این عقیده‌ای بود که از مصاحبه‌های نویسنده با زنان عضو و همکار حزب التحریر - حزب اسلامی فعال در دره فرغانه که به سرعت در منطقه رشد می‌نماید - حاصل شد. به‌طور ویژه گزارش ملاقات در اوش در مرکز بنیادگرای اسلامی مربوط به زنان بعداً به‌طور مختصر آورده می‌شود.

«جامعه ایمان باخیت»^۱ در شهر اوش در سال ۲۰۰۰ جهت ارتقای دانش مذهبی و آموزش اسلامی بین زنان و دختران مدارس بنیاد یافت. از آوریل ۲۰۰۳، این جامعه با یک ساختمان کوچک اهدایی توسط یک نهاد محلی آغاز به کار کرد. بر طبق گفته سازمان دهندگان، هر هفته حدود ۱۰۰۰ زن حضور می‌یابند. کلاس‌ها برای زنان مسن (از جمله آنها که نویسنده شرکت کرد) شامل آموزش مقدماتی الفبای عربی (برای تسهیل خواندن قرآن)، بخش آموزش نماز و یک وعظ مفصل توسط یک آموزگار زن مسلمان می‌باشند. منابعی که برای موعظه به آن استناد می‌شود علاوه بر قرآن، یک کتاب حدیث صحیح البخاری چاپ و نشر در عربستان سعودی به دو زبان عربی و انگلیسی بود. من احساس کردم که آنچه که گفته می‌شد بدون مقدمه و بالبداهه جهت مناسب نمودن سخنرانی مطرح می‌گشت. برای مثال، در بخشی که نویسنده در آن شرکت کرد گفتگوی طولانی در مورد فضیلت حمایت از یتیمان و گناهکاری افراد غنی که نسبت به جامعه خود قصور می‌ورزند و از جزایی که در روز قیامت نصیبشان می‌شود غافل

1. Iman Bakhit Society

هستند مطرح شد. در اثنای این سخنرانی که ۶۰ خانم حضور داشتند بعضی از خانم‌های مسن به وضوح احساساتی شدند. خانمی که این مؤسسه را به من معرفی کرد میانسال و تک‌نسین بیمارستان، تاتار و اهل اوش بود. او گفت که سال قبل به این انجمن پیوسته بود... چنانچه مطالعات نشان می‌دهند شرکت در چنین سخنرانی‌هایی مسیری است برای توانا شدن زنانی که به انجمن‌های مذهبی پیوسته‌اند و در فعالیتهای آنان مشارکت می‌نمایند. (۳۲)

پیش از شرکت در آن جلسه، ملاقاتی با یک خانم مدرس دروس مذهبی داشتم. او از یک و بدین لحاظ با بیشتر روحانیون و مسئولان مذهبی جنوب قرقیزستان مرتبط بود. او در مورد آن نگرانی که در موضوع روابط زنان وجود دارد توضیح داد. او علاوه بر پوشش سر، صورت خود را نیز پوشانده بود. او به من به واسطه نداشتن روسری اعتراض نمود اگرچه من پوشش مناسب داشتم. من به او یادآور شدم که طبق سنت مسلمانان من رعایت حجاب (چادر یا روسری) را قائل هستم ولی حجاب یک اصل برای مسلمان محسوب نمی‌گردد. این عقیده را از طرف مادر من که یک مسلمان مخلص و پدر بزرگ من که یک مجتهد ادیب شیعه بود به ارث برده بودم. در مقابل، او فوراً یک آیه‌ای از قرآن را تلاوت نمود که به پیغمبر امر می‌شود که به همسر خود فرمان ده تا بدن و موی خود را بپوشاند. او همچنین به دو زن همراه خود زیر لب گفت: «شیعیان دشمن ما هستند». (۳۳) با مجاز دانستن کار زنان او معتقد بود آموزش و بهداشت فقط دو زمینه مشروع کاری برای زنان می‌باشد اگرچه نقش اصلی زن مراقبت از خانواده است. تفکیک جنسی معمولاً جدی و مطرح می‌باشد. یک زن و یک مرد که فامیلی نزدیک (رابطه نسبی) نداشته باشند نباید در یک اطاق باشند. زنان باید به هنگام مسافرت تنها سفر نمایند.

وقتی راجع به چالش‌های فن‌آوری مدرن صحبت شد وی هرگونه مغایرتی را انکار نمود: «یک زن با رعایت حجاب هم می‌تواند سفر نماید». این زن به کودکان دختر تعلیمات مذهبی می‌دهد و دیدگاه اسلام را در مورد زنان و اخلاقیات تدریس می‌کنند. بنابه نظر مسئولان در مسجد جامع شهر اوش «مؤسسه امام باحیت»، تنها مرکز آموزش اسلامی دختران در اوش بود. مسجد، یک مدرسه مذهبی (پسران) وابسته به خود را نیز پوشش می‌داد. به‌طور کلی مدرسه

مذهبی به عنوان نهاد مذهبی برای پسران محسوب می‌شود و دختران در خانه توسط والدین متون مذهبی آموزش می‌بینند.^(۳۴)

در آسیای مرکزی، تأکید بر افزونی بنیادگرای اسلامی و توجه به رهیافت متعصبانه نسبت به آداب و ایدئولوژی اسلامی پدیده‌ای است که در دوران پس از شوروی همراه با گسترش وهابیت در منطقه رواج یافته است. وهابیت در عربستان سعودی اصالتاً با صوفیسم و عبادت در حرم‌ها مخالف بود و در سال ۱۹۱۲ به آسیای مرکزی - دره فرغانه - وارد شد و نتوانست پذیرش عمومی به دست آورد. با حمایت (ایدئولوژیک و مالی) عربستان سعودی از طریق مجاهدین افغان و سپس مبارزان اسلامی آسیای مرکزی، وهابیت در آسیای مرکزی به‌طور روزافزون توسعه یافت.^(۳۵) دو گروه سیاسی قرقیزستان که با فرقه مذهبی وهابیت همکاری می‌نمایند یکی جنبش اسلامی ازبکستان (IMU) و دیگری حزب التحریر الاسلامی (HT) می‌باشد. اکثریت اعضای حزب التحریر جوانان بیکار، روستایی و بعضی نیز کاسب و تاجر می‌باشند.^(۳۶) ستاد عملیاتی سازمان حزب التحریر در لندن است و پیروانی نیز بین مسلمانان اروپا دارد. فعالیت حزب التحریر از اواسط دهه ۱۹۹۰ و از طریق توزیع نشریه آغاز شد. اعضای آن به سرعت افزایش یافتند. اگرچه اعضای آنها ناشناخته می‌باشند ولی دولت ازبکستان شدیداً با فعالیت این گروه مخالفت می‌نمایند.^(۳۷) دولت قرقیزستان به صورت ملایم‌تری با این حزب برخورد می‌نماید. اعضای حزب التحریر به جرایم و زندانهای کوتاه‌مدت متهم شده‌اند.

حزب التحریر از جنبش اسلامی ازبکستان به واسطه عدم اعتقاد به برانداختن مسالمت‌آمیز رژیم‌ها در آسیای مرکزی و جایگزینی یک نظام خلیفه‌گری واحد متفاوت است. حاکمیت اسلامی تحت نظر یک حاکمیت عادل، به نام خلیفه به لحاظ فساد مسئولان دولتی و انحطاط در مواجهه با فقر گسترده و ناملایماتی که اکثریت مردم آسیای مرکزی همراه با بیکاری جوانان با آینده‌ای مبهم از آن رنج می‌برند مورد نظر است. تشکیلات حزب التحریر در گروه‌های چند نفره از دوستان نزدیک و اعضای خانواده سازمان می‌یابد. بدون شک نبود اپوزیسیون سیاسی و فشار شدید حکومتی حمایت از گروه‌های اسلامی تندرو را گسترش داده، کسانی که

نارضایتی بخش عظیمی از جمعیت را منعکس می‌نمایند.

بین زنان عضو حزب التحریر، مسائل سیاسی کمتر مطرح می‌باشد. (۳۸) یک خانم دانشجوی عضو حزب التحریر که با وی در قزل‌کیا^۱ (جنوب قرقیزستان) مصاحبه شد گروه مرتبط با خود را ۲۰ زن اعلام داشت که اکثریت آنها خانه‌دار و یا دوشیزه هستند. آنان زیر نظر یک آموزگار زن به‌طور هفتگی طی جلسات با یکدیگر ملاقات داشتند. آنها راجع به متون مربوط به تاریخ اسلام، عرف، شریعت و مباحث روز بحث می‌نمودند. از دیدگاه حزب التحریر انجام شعائر اسلامی به عنوان «جهاد داخلی» و تمرینی از یک تحول درونی تلقی می‌شود. (۳۹)

نتیجه

سناً، اسلام رایج در توده مردم آسیای مرکزی ترکیب عقاید و باورهای بیشمار و قدیمی قبیله‌ای و ترکی به‌علاوه سنن اسلامی مرعی در زمان حاکمیت شوروی (علیرغم تنزل دانش مذهبی در منطقه) می‌باشد. از نظر تاریخی، مذهب نیازهای بشر را جهت یافتن معنای زندگی و استنساخ چرایی مصیبت‌ها و گرداب رنج‌ها جلوه‌گر می‌سازد. در تحولات آسیای مرکزی دوران پس از شوروی، فقر جدید، بی‌ثباتی‌ها و آشفتگی همراه با تشنگی بیشتر برای مذهب و نقش حکیمانه آن در زندگی روزانه جریان داشته است.

در دوران پس از استقلال، کاوش جهت حاکمیت فرهنگی موضوع گرایش به اسلام را در دو سطح شخصی و ملی بسط داده است. در قرقیزستان، در کنار تنوع گروه‌های نژادی و سنت‌های مذهبی، اسلام‌گرایی دوباره به شکل افزایش باورها، شعائر و سنن اسلامی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نژادی بروز نموده است. در جنوب قرقیزستان، جمعیت قابل ملاحظه‌ای از مردم مسلمان بیکار، فقیر و با تعصب اسلامی به‌ویژه در جنبش‌های اسلامی تندرو به‌وضوح قابل مشاهده است. این جنبش‌ها، در اصل از خارج و توسط شبکه جهانی اسلام رادیکال حمایت می‌گردند. در سطحی وسیع‌تر، مسئولان روحانی و اساتید آموزش‌های اسلامی

1. Kizil Kiya

وسیعاً از خارج از کشور (کشورهای خلیج فارس، عربستان سعودی و ترکیه) حمایت مالی می‌شوند. پیروان سنی و متعصب که در جامعه قرقیز رسوخ نموده‌اند در مغایرت با اسلام محلی مرتبط با نگرش قبیله‌ای می‌باشند.

آنچه در تعاریف مداخلی برای موقعیت زنان مهم می‌باشد این است که مفاهیم نقش‌های سنتی زنان مربوط به روابط اجتماعی نظام پیش از شوروی در آسیای مرکزی و قفقاز که امروزه دوباره مطرح می‌گردند سعی شده بود تا حدودی منسوخ شده و تحول پذیرند.^(۴۰)

علاوه بر این، با اضمحلال نظام اقتصادی شوروی و افزایش بیکاری، حمایت ایدئولوژیک برای نقش خانوادگی زنان یک سازوکار جایگزین در شرایط کنونی پیچیدگی و نامعلومی ارزش‌ها فراهم می‌نماید. زوال معنویت منعکس در وجود و بسط مشکلاتی چون فساد، قاچاق و نقل و انتقال غیرقانونی زنان، و آشفتگی راه حل ساده‌ای ارائه می‌دهد که در فلسفه جدایی جنسی زن و مرد و حبس زنان در محدوده خصوصی عنوان می‌گردد.

یادداشت‌ها

۱. اطلاعات برای تهیه این مقاله در اثنای بازدید از دانشکده انسان‌شناسی دانشگاه آمریکایی آسیای مرکزی در بیشکک قرقیزستان از اکتبر ۲۰۰۲ تا ژوئن ۲۰۰۳ جمع‌آوری شده است. این تحقیق در بیشکک، نارین و اوش انجام شد.

2. F. Heyat. *Azeri Women in Transition: Women in Soviet and Post - Soviet Azerbaijan* (London: Routledge Curzon, 2002), p.106.

3. A.B. Elebaeva, *Mezhetnicheskie Otnoshen iya v Postsovetskikh Gasudarstvakh Dinamika Razvitiya* (Ethnic Relations in Post - Soviet States of Central Asia: Dynamics of Development) (Bishkek: Ilim, 2001).

۴. مصاحبه با نعمت‌الله علی جین بکف معاون مفتی بیشکک، مارس ۲۰۰۳.

5. C.M. Abramzon, *Kirgizjana Kirgizstan Tarikhi boyunja Tandama Emgekter* (Selected Works on the Kyrgyz and Kyrgyzstan History) (Bishkek: Soros Kyrgyzstan Foundation, 1999); L.Polonskaya and A. Malashenko, *Islam in Central Asia* (Reading, UK: Ithaca Press, 1994).

6. J. During, "The foundations of religiosity and the transmission of spiritual forces in Central Asia", in Collection of Materials: *UNESCO international Forum* "Culture and Religion in Central Asia", (Kyrgystan: National Commission of the Kyrgyz Republic for UNESCO, 1999).
7. B.G. Privratski, *Muslim Turkistan: Kazak Religion and Collective Memory* (Richmond, Surrey: Curzon, 2001).
8. J. Baldichk, *Animal and Shaman: Ancient Religions of Central Asia* (London: I.B Taurus, 2000).
9. I. B. Moldobayev, Kyrgyz religious beliefs (From ancient times to the present). in Collection of Materials UNESCO International Forum "Culture and Religion in Central Asia" (Kyrgyzstan: National Commission of the Kyrgyz Republic for UNESCO, 1999).
۱۰. عباراتی که در فرهنگ قرقیز این امر را منعکس می‌کنند: به فلک شما را حفظ کند، آسمان مرا حفظ کند، شاید فلک مرا سرزنش نماید.
۱۱. بر طبق اطلاعات من، در هنگام رؤیت ماه جدید، فرد می‌بایست سه بار تعظیم نماید.
12. Abramazon, *op.cit.*, Ref5.
13. A. Tabyshaliev, "A glance at the religious situation in Kyrgyzstan", in Collection of Materials UNESCO International Forum "Culture and Religion in Central Asia" (Kyrgyzstan: National Commission of the Kyrgyz Republic for UNESCO, 1999).
14. S. Poliakov, *Everyday Islam: Religion and Tradition in Rural Central Asia* (London: M.E. Sharp, 1992).
15. Abramzon, *op.cit.*, Ref 5.
16. F. Bowie, *Anthropology o Religion: An Introduction* (Oxford: Blackwell, 2000), p.198.
17. T. Zarcone, "Religious syncretism in contemporary Central Asia: how Sufism and Shamanism intertwine", in *Collection of Materials UNESCO International Forum* "Culture and Religion in Central Asia" (Kyrgyzstan: National Commission of the Kyrgyz Republic for UNESCO, 1999).
18. Abramzn, *op.cit.*, Ref5.
19. Moldobayev, *op.cit.*, Ref 9.

20. Bowie, *op.cit.*, Ref 16.
21. UNDP, *National Human Development Report: Democratic Governance: Alternative Approaches to Kyrgyzstan's Future, 2001*, (Bishkek: A UNDP Publication), also available at: <http://www.undp.kg/publications>.
22. *Ibid.*
23. *Trafficking in Women and Children from the Kyrgyz Republic*, Bishkek, Kyrgyzstan: International Organisation for Migration, November 2000.
24. *Ibid.*
25. *Ibid.*
26. *Social Monitor 2002*, The MONEE Project CEE/ CIS/ Baltics, UNICEF publication Florence, Italy.
27. *Ibid.*, p.22.
28. J. Nazpary, *Post - Soviet Chaos: Violence and Dispossession in Kazakhstan* (London: Pluto Press, 2001).
29. G. A. Bakiyeva, "Islam as a socio - cultural code", in *Collection of Materials UNESCO International Forum Culture and Religion in Central Asia* (Kyrgyzstan: National Commission of the Kyrgyz Republic for UNESCO, 1999).
30. *Ibid.*
۳۱. حجاب در این مؤسسه، مثل دانشکده الهیات و دیگر مؤسسات آموزش عالی اسلامی، به معنای یک روسری همراه با تونیک شلوار گشاد می‌باشد. اما بین طرفداران حزب التحریر و دیگر بنیادگراها مانع بلندی و گشاد و مقنعه بلند مرسوم است.
32. E. W. Ozorak, "The power, but not the glory: how women empower themselves through religion", *Journal for the Scientific study of Religion*, Vol.35, No.1, 1996, pp.17-29.
- این تحقیق در بین زنانی که فعالیت‌های مذهبی به حمایت از عقاید یهودی و مسیحی دارند انجام شد و آگاهی از بی‌عدالتی در مورد زنان همراه با انجام رضایتمندانه شاعران مذهبی را نشان می‌دهد. این واقعیت که زنان طبق مبانی این ادیان کمتر مورد تکریم و احترام قرار می‌گیرند زیاد جدی گرفته نمی‌شد.
۳۳. دشمنی و هابیت و شیعه سابقه تاریخی دارد و در مرجع زیر در مورد آن بحث شده است:
- A. Rashid, *Jihad: The Rise of Militant Islam in Central Asia* (New Haven, CT: Yale

University Press, 2002).

۳۴. «اوتین»ها به زبان ازبک به آموزگاران مذهبی زن اطلاق می‌شود که در میان زنان ازبک آسیای مرکزی تبلیغ مذهبی می‌نمایند. همچنین، آنها سستاً مسئول آموزش مذهبی دختران و زعامت نمازگزاران و دعاخوانان زن در مراسم می‌باشند. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:

H. Fathi, "Otines: the unknown women clerics of Central Asian Islam", *Central Asian Survey*, Vol.16, No.1, 1997, pp.27-43.

35. Rashid, op.cit, Ref 33, p.45.

۳۶. برای مطالعه مفصل راجع به این گروه به نشریه *International Crisis Group (ICG)* مراجعه شود به:

Radical Islam in Central Asia: responding to Hizbu ut-Tahrir", 30 June 2003. Also found at: WWW.crisisweb.org.

۳۷. بر طبق نظر سازمان مستقل حقوق بشر ازبکستان، از ۷۶۰۰ زندانی سیاسی در تابستان ۲۰۰۱، ۵۱۵۰ نفر آنها اعضای حزب التحریر بودند (Rashid, op.cit, Ref 33, p.126).

38. "The IMU and the Hizbu-ut-Tahrir: implications of the Afghanistan campaign", an ICG publication, Central Asia Briefing, Osh/Brussels, 30 January 2002, Also found at: www.crisisweb.org.

39. *Ibid.*

40. G. Massell, *The Surrogate Proletariat: Moslem Women and Revolutionary Strategy in Soviet Central Asia (1919-1929)* (Princeton, NJ: Princeton University press, 1974).